

مقاله پژوهشی

سلامت جامعه

دوره یازدهم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۶

نقش گرایش‌ات آندروژنی، شیوه‌های فرزندپروری و سبک اسنادی منفی در سازگاری معنوی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، سال ۱۳۹۵

افسانه حسینی گراوندی^۱، سعید یزدی راوندی^۲، زهرا حاج صادقی^{۳*}

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۱۶

خلاصه

مقدمه: سازمان بهداشت جهانی معنویت را به عنوان بعد چهارم سلامت انسانی معرفی کرده است. هدف پژوهش حاضر تعیین نقش گرایش‌ات آندروژنی، شیوه‌های فرزندپروری و سبک اسنادی منفی بر سازگاری معنوی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز در سال ۱۳۹۵ بود.

مواد و روش‌ها: در این پژوهش مقطعی، جامعه آماری را کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، که در سال تحصیلی ۱۳۹۵ مشغول به تحصیل بودند تشکیل می‌دادند که ۲۵۰ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس وارد مطالعه شدند. ابزارهای مطالعه پرسشنامه گرایش‌ات آندروژنی (نقش جنسیتی بم)، پرسشنامه نگرش‌های فرزندپروری، پرسشنامه سبک‌های اسنادی پیترسون و سلیگمن و پرسشنامه سازگاری مذهبی - معنوی بود. داده‌ها با استفاده از روش همبستگی پیترسون و رگرسیون چندگانه خطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: نتایج نشان داد بین گرایش‌ات آندروژنی، نگرش فرزندپروری وابستگی شدید والدین، سبک اسنادی مثبت و سازگاری معنوی در دانشجویان همبستگی معنی‌داری وجود داشت ($p < 0/05$). بین نگرش فرزندپروری سلطه‌گری والدین و بی‌اعتنایی والدین، سبک اسنادی منفی و سازگاری معنوی در دانشجویان رابطه معنی‌داری وجود نداشت. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که می‌توان سازگاری معنوی در دانشجویان را به وسیله متغیرهای گرایش‌ات آندروژنی، نگرش‌های فرزندپروری سلطه‌گری، وابستگی شدید و بی‌اعتنایی و نیز سبک‌های اسنادی مثبت و منفی به طور معنی‌داری پیش‌بینی نمود ($p = 0/002$).

نتیجه‌گیری: احتمالاً گرایش‌ات آندروژنی، نگرش‌های فرزندپروری والدین و سبک‌های اسنادی نقش بسیار مهمی در سازگاری معنوی دانشجویان دارند. بنابراین لازم است که مسئولین در برنامه‌ریزی‌های خود به این عوامل توجه لازم را داشته باشند.
واژه‌های کلیدی: گرایش‌ات آندروژنی، سبک‌های اسنادی، شیوه‌های فرزندپروری، سازگاری معنوی، دانشجویان، اهواز

۱- کارشناسی ارشد، گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد خوزستان، اهواز، ایران.

۲- دانشجوی دکتری تخصصی علوم رفتاری، مرکز تحقیقات اختلالات رفتاری و سوء مصرف مواد، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران.

۳- کارشناس ارشد، گروه روان‌شناسی بالینی، پردیس علوم و تحقیقات خوزستان، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. (نویسنده مسئول)

پست الکترونیکی: Zahra.hajsadeghi@yahoo.com، تلفن: ۰۹۳۰۴۳۰۴۴۱۵

مقدمه

چهارمین ویرایش راهنمای تشخیصی آماری اختلال‌های روانی DSM-IV-TR، معنویت را به عنوان بعد چهارم سلامت انسانی معرفی کرده است [۱]. تا چندی پیش به معنویت تنها به عنوان یکی از جنبه‌های دینی توجه می‌شد اما در ۲۰ سال گذشته مفهوم معنویت از مذهب فراتر رفته و امروزه بیانگر مفاهیم چندی از جمله مذهبی بودن است [۲]. تأثیراتی که باورهای معنوی فرد بر چگونگی تفسیر وی از رویدادها می‌گذارد فرایند پذیرش رویدادها را آسان می‌کند. به بیان دیگر معنویت به منزله چتری است که مفاهیم گوناگونی مانند سلامت معنوی، باورها و سازگاری معنوی را پوشش می‌دهد [۳]. مذهب نیازهای اساسی انسان را برآورده می‌کند و خلاءهای اخلاقی، عاطفی و معنوی او را پر می‌کند؛ خصوصیات اخلاقی و معنوی را در فرد و اجتماعات استحکام داده و پایگاه بسیار محکمی برای انسان در برابر مشکلات ایجاد می‌کند [۴]. Nooney، در پژوهش خود نشان داد اعتقادات و باورهای مذهبی رابطه مثبت و معنی‌داری با سلامت روان آزمودنی‌ها دارد [۵]. همه فرهنگ‌ها معیارهایی را برای رفتار مردان و زنان تعیین می‌کنند و فعالیت‌های شخصیتی و وظایف متناسب با مردان و زنان معین نیز با گذشت زمان تغییر می‌کند و امروزه زنان و مردان در جستجوی معنای جدیدی از کلیشه‌های جنسی سنتی هستند [۶]. هدف اساسی مهم از مطالعه نقش‌های جنسیتی، آفرینش مفهومی از سلامت روان است که از تعاریف مفروض زنانگی و مردانگی و از جهت فرهنگی آزاد است [۷]. از نظر Bem دو جنسیت نمایی یک جهت‌گیری نقش جنسیتی است که در آن، فرد صفات زیادی از اسنادهای زنی و مردی را در شخصیت خویش یکپارچه می‌سازد. نقش جنسیتی زنی یک جهت‌گیری نقش جنسیتی است که در آن فرد صفات زنانگی زیاد و ویژگی مردانه اندک دارد و نقش جنسیتی مردی یک جهت‌گیری نقش جنسیتی است که در آن فرد صفات مردانگی زیاد و ویژگی زنانه اندک دارد [۸]. تحقیقات نشان داده که مردان و زنان دو جنسیت‌نما دوست‌داشتنی‌تر هستند و سازگاری بیشتری در قالب‌های جنسیتی سنتی (مردی و زنی) دارند [۹]. Antil، در پژوهشی به بررسی رابطه بین سازگاری

معنوی، بهزیستی روانشناختی و سنخ آندروژنی پرداختند. نتایج آنان حاکی از این بود که بین سازگاری معنوی و بهزیستی روانشناختی با سنخ‌های جنسیتی رابطه مثبت وجود دارد [۱۰].

سبک اسناد، شیوه‌ای است که به وسیله آن تلاش می‌کنیم علل پایدار و زیربنایی رفتار دیگران و دلایلی که افراد به شیوه‌های معین عمل می‌کنند را درک کنیم [۱۱]. Ashkani و Heydari، معتقدند سبک‌های اسنادی دو نوع رویداد را در بر می‌گیرند: الف) رویدادهای مثبت و ب) رویدادهای منفی. در همین راستا مطالعات نشان داده‌اند که کودکان ناتوان در یادگیری، رویدادهای منفی را به عوامل درونی، کلی و پایدار نسبت می‌دهند، خودپنداره پایین‌تر و استرس و اضطراب بیشتری دارند و بعد از رویدادهای استرس‌زا، علائم افسردگی بیشتری از خود نشان می‌دهند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که دانش‌آموزان با ناتوانی‌های یادگیری در مقایسه با همسالان عادی خود موفقیت‌ها و شکست‌هایشان را به میزان بالاتری به عوامل بیرونی نسبت می‌دهند [۱۲].

روان‌شناسان از دهه ۱۹۲۰ به بعد علاقمند به تحقیق در زمینه شیوه‌های فرزندپروری بودند. یکی از نیرومندترین رویکردها در این زمینه، مطالعه‌ای بود که توسط Baumrind در سال ۱۹۶۰ (به نقل از Rodriguez) انجام گرفت. او معتقد بود که شیوه‌های فرزندپروری از دو بعد تشکیل شده است: درخواست‌کنندگی والدین (کنترل) و پاسخ‌دهندگی والدین (گرمی یا پذیرش) [۱۳]. Baumrind (به نقل از Lisa و Green) از ترکیب این دو عنصر سه شیوه فرزندپروری بوجود آورد که عبارتند از شیوه فرزندپروری مقتدر، شیوه فرزندپروری مستبد و شیوه فرزندپروری آزادگذار [۱۴]. فرزندپروری مقتدرانه با ترکیبی از مهارگری حمایت عاطفی بالا، سطوح مناسبی از استقلال و ارتباطات دو سویه میان کودک و والد مشخص می‌شود [۱۵]. فرزندپروری مستبدانه با مهارگری شدید، سطوح بالای جدیت، انضباط بی‌ثبات و سختگیرانه و سطوح نسبتاً پایینی از صمیمیت عاطفی مشخص می‌شود [۱۶]. فرزندپروری آزادگذار، کمبود مهار والدینی به گونه‌ای که اعمال قدرت والدین روی رفتار کودک با شکست مواجه می‌شود و گرایش به تن دادن به خواسته‌های کودک تعریف

معنوی استفاده شده است: از ویژگی‌های جمعیت شناختی مورد توجه در این پژوهش می‌توان به جنسیت، سن و وضعیت تأهل آزمودنی‌ها اشاره کرد. در انجام این مطالعه محقق خود را ملزم به رعایت کلیه کدهای اخلاق در پژوهش بر اساس بیانیه هلسینکی نموده است. ابزار مورد استفاده در این پژوهش عبارت بودند از:

پرسشنامه نقش جنسیتی بم:

این پرسشنامه در سال ۱۹۷۴، توسط Sandra Bem ساخته شد. این پرسشنامه برای اولین بار توسط Varnasery [۲۰]، ترجمه شد و مورد استفاده قرار گرفت و شامل ۶۰ صفت که نشان‌دهنده ویژگی‌های مردانگی و زنانگی هستند می‌باشد. از پاسخ دهندگان در خواست می‌شود برای هر مورد در مقیاسی از ۱ (هرگز یا تقریباً هرگز درست نیست) تا ۷ (همیشه یا تقریباً همیشه درست است) نشان بدهند که آن صفت تا چه حد می‌تواند آنها را توصیف کند. این پرسشنامه دارای دو سری ماده است که برای محاسبه نمره آندروژنی باید حاصل جمع ماده‌های سری یک را از حاصل جمع ماده‌های سری دوم کسر نمود. از ۶۰ صفت موجود، ۲۰ صفت به صورت کلیشه‌ای زنانه، و ۲۰ صفت به صورت کلیشه‌ای مردانه و ۲۰ صفت خنثی است. Asgari [۲۱]، پایایی آن را از طریق آلفای کرونباخ معادل ۰/۸۹ و از طریق تصنیف معادل ۰/۶۸ بدست آورده است که بیانگر پایایی قابل قبول پرسشنامه مذکور است. در تحقیق حاضر برای تعیین پایایی پرسشنامه گرایش‌های آندروژنی از روش آلفای کرونباخ و تصنیف استفاده شد که برای کل پرسشنامه به ترتیب برابر با ۰/۸۶ و ۰/۸۱ بود و بیانگر ضرایب پایایی مطلوب پرسشنامه می‌باشد.

پرسشنامه سبک‌های اسنادی Peterson و Seligman:

این پرسشنامه توسط Peterson و Seligman (۱۹۸۲) تدوین شده است [۲۲]. این پرسشنامه یک وسیله خودسنجی برای تبیین وقایع مثبت و منفی در پیوستار اسناد علی درونی-بیرونی، ثبات-متغیر، کل-خاص می‌باشد. سؤال‌های این پرسشنامه ارزیابی کننده ارزش‌های خاص در سه بعد فوق می‌باشد. پرسشنامه سبک‌های اسنادی شامل دوازده موقعیت (شش رویداد خوب و شش رویداد بد) است. نیمی از موقعیت‌ها، مثبت و نیمی دیگر منفی است و ۴۸ سؤال دارد (برای هر

شده است [۱۷]. در فرزندپروری مسامحه‌کار، والدین در پاسخدهی و سختگیری در سطح پایینی قرار داشته و طرد کننده یا مسامحه کننده‌اند. آنها خود را در تربیت بچه‌ها درگیر نمی‌کنند و مراقبتی بر روی بچه‌ها ندارند و حتی ممکن است آنها را هرگز نپذیرند [۱۸]. Millings، روش‌های تربیتی را ساختارهایی ارتباطی تعریف نمود که کیفیت روابط خاص بین والدین و کودک را توصیف می‌کنند و معتقد بودند که شیوه‌های فرزندپروری تأثیرات مهمی بر رشد کودک دارند [۱۹]. بنابراین، با توجه به ضرورت موضوع مورد بحث و اینکه تحقیقات بسیار کمی در این خصوص صورت گرفته است این مطالعه با هدف تعیین نقش گرایش‌های آندروژنی، شیوه‌های فرزندپروری و سبک اسنادی منفی در سازگاری معنوی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز در سال ۱۳۹۵ انجام گرفت.

مواد و روش‌ها

این مطالعه از نوع توصیفی-مقطعی بود. جامعه آماری پژوهش را کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، که در سال تحصیلی ۱۳۹۵ مشغول به تحصیل بودند تشکیل می‌دادند که از میان آنها ۲۵۰ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس وارد مطالعه شدند. در صورتی که جامعه آماری دانشجویان دانشگاه باشند مناسب‌ترین روش نمونه‌گیری طبقه‌ای می‌باشد ولی با توجه به اینکه در این پژوهش یکی از پرسشنامه‌ها، شیوه‌های فرزندپروری والدین بود که باید توسط والدین دانشجویان تکمیل می‌شد و همچنین تعداد زیاد پرسشنامه‌ها و سؤالات که نیاز به زمان و دقت کافی برای تکمیل آنها بود از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده گردید. همچنین برای تعیین حجم نمونه از جدول مورگان استفاده شد و پرسشنامه‌ها بین ۴۰۰ دانشجو توزیع گردید که در نهایت ۲۵۰ نفر از دانشجویان پرسشنامه‌ها را تکمیل کردند (۶۲/۵٪). لازم به ذکر است از تمام شرکت‌کنندگان مطالعه رضایت آگاهانه کسب شد. در این پژوهش از پرسشنامه گرایش‌های آندروژنی (نقش جنسیتی بم)، پرسشنامه نگرش‌های فرزندپروری Drews و Teahn، پرسشنامه سبک‌های اسنادی Peterson و Seligman، پرسشنامه سازگاری مذهبی-

سازگاری معنوی فرد است که شامل ۳۹ سؤال می‌باشد. نمره‌گذاری هر سؤال، بر روی یک پیوستار، از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۵ (کاملاً موافقم) است. این مقیاس توسط Rassouli و همکاران (۱۳۸۸)، با توجه به ویژگی‌های مذهبی و فرهنگی کشور ما (ایران)، به دو روش کیفی و کمی، طراحی و اعتبار یابی شد. به منظور ساخت و طراحی این مقیاس، ابتدا برخی بررسی‌های انجام شده شامل مقالات و کتاب‌های مرتبط با معنویت و ابعاد آن به ویژه سازگاری معنوی بازبینی شده و سپس برای تعیین ابعاد مختلف سازگاری معنوی، مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته‌ای با گروهی از دختران ساکن در مرکز شبانه‌روزی سازمان بهزیستی انجام شد. پس از طراحی سؤالات برای تعیین میزان اعتبار و پایایی مقیاس مذکور از روش‌های متداول روان‌سنجی استفاده شد. اعتبار این مقیاس از طریق همبسته کردن آن با مقیاس نگرش معنوی نوجوانان، برابر ۰/۸۹ و ضریب همبستگی باز آزمایی به فاصله ۳ هفته، برابر ۰/۷۱ به دست آمد. همچنین، پایایی این مقیاس از طریق آلفای کرونباخ ۰/۹۶ محاسبه شد [۲۴].

پرسشنامه نگرش‌های فرزند پروری Teahn و Drews:

این پرسشنامه اقتباس شده از پرسشنامه ارزشیابی نگرش والدین (Parent attitude survey) که توسط Shoben (۱۹۴۹) ساخته شده است، می‌باشد. فرم اولیه آن شامل ۸۵ سؤال بوده که بعدها تعدیل شده است. فرم مورد استفاده در مطالعه حاضر توسط Teahn و Drews (۱۹۵۷) تنظیم گردیده که ۳۰ سؤال تک مفهومی پنج گزینه‌ای (از موافقت کامل تا مخالفت کامل) را شامل می‌شود و سه ماده آخر در پرسشنامه جهت اعتبار یابی هستند. مواد پرسشنامه به سه مقیاس فرعی مساوی تقسیم شده و در سال ۱۳۷۲ ترجمه و معرفی شده است. در این فرم هر ۱۰ سؤال پرسشنامه، یک مقیاس فرعی را می‌سجد سؤال‌های ۳، ۴، ۵، ۶، ۹، ۱۰، ۱۴، ۱۷، ۱۸ و ۲۱ عامل سلطه‌گری، سؤال‌های ۱، ۲، ۷، ۸، ۱۶، ۲۰، ۲۵، ۲۶، ۲۹ و ۳۰ عامل وابستگی شدید و سؤال‌های ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۱۹، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۷ و ۲۸ عامل سهل‌انگاری را ارزیابی می‌کنند. این پرسشنامه به والدین به منظور سنجش نوع نگرش آنان که در هر حال شیوه عملی تربیت فرزندانشان را تحت تأثیر قرار می‌دهد ارائه و از آنان خواسته می‌شود

موقعیت ۴ سؤال). در راهنمای این آزمون از فرد خواسته می‌شود که تصور کند در آن موقعیت قرار دارد و درباره علت اصلی آن موقعیت تصمیم بگیرد و سپس به سؤالات پاسخ دهد. نمره‌گذاری این پرسشنامه به این صورت است برای هر موقعیت سؤال اول نمره‌ای نمی‌گیرد و تنها برای درک بهتر سؤال‌های دیگر است. اما سه سؤال دیگر از ۱ تا ۷ برای موقعیت‌های مثبت و از ۷ تا ۱ برای موقعیت‌های منفی نمره می‌گیرند. نمره کل تجارب مثبت به این صورت محاسبه می‌شود که ابتدا نمره تمام شش موقعیت مثبت (۱۸ سؤال) را جمع می‌کنیم و بعد بر ۶ تقسیم می‌کنیم. برای محاسبه نمره کل تجارب منفی نیز ابتدا نمره تمام شش موقعیت منفی (۱۸ سؤال) را جمع می‌کنیم و بعد بر ۶ تقسیم می‌کنیم.

همچنین نمره‌گذاری زیر مقیاس آن به شرح زیر است:

اسناد درونی منفی: مجموع نمرات سؤالات ۱۸-۱۴-۶-۴۲-۳۰-۲۶ تقسیم بر ۶، اسناد درونی مثبت: مجموع نمرات سؤالات ۴۸-۴۶-۳۴-۲۲-۱۰-۲ تقسیم بر ۶، اسناد پایدار منفی: مجموع نمرات سؤالات ۴۳-۳۱-۲۷-۱۹-۱۵-۷ تقسیم بر ۶، اسناد پایدار مثبت: مجموع نمرات سؤالات ۲۳-۱۱-۳-۴۷-۳۹-۳۵ تقسیم بر ۶، اسناد کلی منفی: مجموع نمرات سؤالات ۴۴-۳۲-۲۸-۲۰-۱۶-۸ تقسیم بر ۶، اسناد کلی مثبت: مجموع نمرات سؤالات ۴۸-۴۰-۳۶-۲۴-۱۲-۴ تقسیم بر ۶.

Peterson آلفای کرونباخ سبک اسنادی مثبت را ۰/۷۵،

سبک اسنادی منفی را ۰/۷۲ و به صورت مجزا سبک‌های مثبت درونی-بیرونی ۰/۵، ثابت-متغیر ۰/۶۲ و کل-خاص ۰/۵۹ و سبک‌های منفی درونی-بیرونی ۰/۴۶، ثابت-متغیر ۰/۵۹ و کل-خاص ۰/۶۹ گزارش کرده است. Taghipour [۲۳]، ضرایب آلفای کرونباخ سبک اسنادی مثبت را در ابعاد درونی-بیرونی ۰/۵۵، ثابت-متغیر ۰/۴۹، و کل-خاص ۰/۵ و در سبک‌های اسنادی منفی در ابعاد درونی-بیرونی ۰/۵۳، ثابت-متغیر ۰/۵۱ و کل-خاص ۰/۴۸ به دست آورد. در پژوهش حاضر، ضرایب آلفای کرونباخ سبک اسنادی مثبت ۰/۹۰ و سبک‌های اسنادی منفی ۰/۷۸ به دست آمد.

پرسشنامه سازگاری مذهبی- معنوی:

این مقیاس، یک ابزار خود گزارشی برای سنجش میزان

مراتب و درجه موافقت و مخالفت خود را با اصولی که مسائل تربیتی فرزندان و رشد خلاقیت آنان را متأثر می‌سازد اعلام نمایند. بدیهی است مخالفت کامل مفهوم تسلط و محدودیت و موافقت کامل مسامحه و آزادی را نشان می‌دهد و حالت‌های بینابینی نیز مفاهیم نسبی از دو حالت مذکور را تأیید می‌نماید [۲۵]. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه برابر با ۰/۶۵، نگرش بی‌اعتنایی، نگرش سلطه‌گری و شیوه اقتدار منطقی به ترتیب برابر با ۰/۳۶، ۰/۵۱، ۰/۲۳ به دست آمد. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های توصیفی (محاسبه فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار) و آزمون‌های همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه با نرم‌افزار SPSS نسخه ۱۶ استفاده شده است. لازم به ذکر است که ابتدا کلیه پیش‌فرض‌های مربوط به هر دو آزمون مورد بررسی قرار گرفت. سطح معنی‌داری کلیه آزمون‌ها $p < 0/05$ بود.

یافته‌ها

در این مطالعه تعداد ۲۲۸ دختر و ۲۲ پسر که ۶۳/۶ درصد آنها (۱۵۹ نفر) بین ۲۱ تا ۲۵ (با میانگین و انحراف معیار $23/45 \pm 2/13$) سال سن داشتند، شرکت کردند. از میان ۲۵۰ شرکت‌کننده ۲۰۱ نفر (۸۰/۴٪) مجرد بودند. از نظر رشته تحصیلی ۴۰ نفر در رشته‌های روان‌شناسی (۱۶٪)، ۱۰ نفر رشته ادبیات (۴٪)، ۶۵ نفر در رشته معماری (۲۶٪)، ۳۰ نفر در رشته محیط زیست (۱۲٪)، ۷۰ نفر رشته کامپیوتر (۲۸٪) و ۳۵ نفر در رشته پرستاری (۱۴٪) مشغول به تحصیل بودند.

جدول ۱- میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر نمره آزمودنی‌ها در متغیرهای گرایش‌های آندروژنی، نگرش‌های فرزند پروری والدین، سبک‌های اسنادی و سازگاری معنوی (n=۲۵۰)

متغیر	شاخص‌های آماری	انحراف معیار \pm میانگین	حداقل	حداکثر
گرایش‌های آندروژنی		۱۶/۱۲ \pm ۱۳/۳۴	-۷۴	۲۸
نگرش فرزند پروری سلطه‌گری		۳۰/۱۰ \pm ۴/۴۳	۱۸	۴۲
نگرش فرزند پروری وابستگی شدید		۳۱/۳۱ \pm ۳/۳۳	۱۸	۴۲
نگرش فرزند پروری بی‌اعتنایی		۲۸/۵۰ \pm ۳/۴۰	۱۸	۳۹
سبک اسنادی مثبت		۱۵/۰۵ \pm ۲/۸۱	۹	۲۱
سبک اسنادی منفی		۲/۵۱ \pm ۲/۱۹	۴	۲۱
سازگاری معنوی		۱۶۷/۶۸ \pm ۲۲/۱۴	۵۰	۱۹۵

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود بین گرایش‌های آندروژنی، نگرش فرزند پروری وابستگی شدید والدین، سبک اسنادی مثبت و سازگاری معنوی در دانشجویان همبستگی معنی‌داری وجود داشت ($p > 0/05$).

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود بین گرایش‌های آندروژنی، نگرش فرزند پروری وابستگی شدید والدین، سبک اسنادی مثبت و سازگاری معنوی در دانشجویان همبستگی معنی‌داری وجود دارد ($p < 0/05$). اما بین نگرش فرزند پروری

جدول ۲- ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش و سازگاری معنوی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز در سال ۱۳۹۵

سازگاری معنوی	گرایش‌های آندروژنی	نگرش سلطه‌گری	نگرش وابستگی	نگرش بی‌اعتنایی	سبک اسنادی	سبک اسنادی منفی
ضریب همبستگی	۰/۱۶۹	۰/۰۸۰	۰/۱۹۴	۰/۰۶۲	مثبت	۰/۱۲۱
سطح معنی‌داری	۰/۰۱۱	۰/۲۰۱	۰/۰۰۲	۰/۲۹۰	مثبت	۰/۰۴۸

پس از بررسی پیش‌فرض‌ها نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که می‌توان سازگاری معنوی در دانشجویان را به وسیله

متغیرهای گرایش‌های آندروژنی، نگرش‌های فرزند پروری سلطه‌گری، وابستگی شدید و بی‌اعتنایی و نیز سبک‌های

پروری وابستگی شدید با ضریب بتای ۰/۱۷ و گرایش‌های آندروژنی با ضریب بتای ۰/۱۶ - بیشترین قدرت پیش‌بینی را در سازگاری معنوی دانشجویان دارند (جدول ۳).

اسنادی مثبت و منفی به‌طور معنی‌داری پیش‌بینی نمود (F=۳/۵۴ و p<۰/۰۰۲). مقدار R² مشاهده نشان می‌دهد ۸ درصد از واریانس سازگاری معنوی در دانشجویان توسط متغیرهای یاد شده تبیین می‌شود. متغیرهای نگرش فرزند

جدول ۳- برآورد رگرسیون چندگانه متغیرهای پیش‌بین (گرایش‌های آندروژنی، نگرش‌های فرزند‌پروری والدین و سبک‌های اسنادی) با سازگاری معنوی دانشجویان

متغیر	R	R ²	F	سطح معنی‌داری	t	p
گرایش‌های آندروژنی	۰/۲۸	۰/۰۸	۳/۵۴	۰/۰۰۲	-۲/۵۸	۰/۰۱۰
نگرش سلطه‌گری					۰/۲۱۱	۰/۸۳۲
نگرش وابستگی شدید					۲/۵۵	۰/۰۱۱
نگرش بی‌اعتنایی					۰/۶۳۵	۰/۵۲۶
سبک اسنادی مثبت					۲/۱۱۳	۰/۰۳۴
سبک اسنادی منفی					-۰/۴۹۲	۰/۶۲۴

بحث

هدف از پژوهش حاضر، تعیین نقش گرایش‌های آندروژنی، شیوه‌های فرزند‌پروری و سبک‌های اسنادی با سازگاری معنوی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز بود. نتایج همبستگی بین گرایش‌های آندروژنی و سازگاری معنوی دانشجویان و سطح معنی‌داری را نشان داد، در واقع بین گرایش‌های آندروژنی با سازگاری معنوی دانشجویان رابطه منفی و معکوسی وجود داشت، به طوری که هر چه گرایش‌های آندروژنی فرد افزایش می‌یافت، سازگاری معنوی وی کاهش پیدا می‌کرد. این یافته با نتایج پژوهش Markstrom [۲۶]، که نشان‌دهنده رابطه منفی بین نقش جنسیتی دوگانه و سازگاری معنوی در دختران و پسران بود، همخوانی دارد. همچنین یافته‌های Antil [۱۰]، Green و Kenrick [۲۷]، McCall و Struthers [۲۸]، Hackney و Sanders [۲۹] که بیان نمودند بین سازگاری معنوی و آندروژنی با بهزیستی روان‌شناختی رابطه چندگانه معنی‌داری وجود دارد همخوانی است. تا اینجا کنکاش درباره معنویت و تجربه‌های معنوی با این پیش‌فرض همراه بوده که افراد دارای زندگی معنوی فعال، بدون شک از نظر روان‌شناختی افراد سالمی هستند. بدیهی است که این امر همبسته و در مورد همه انسان‌ها صادق نیست. لذا با توجه به اینکه افراد با سنخ آندروژنی دارای

سلامت روانی بهتر و عزت‌نفس بالاتر هستند این احتمال وجود دارد آن دسته از این افراد که دارای اعتقادات معنوی و سازگاری معنوی بهتر هستند افراد سالم‌تری باشند [۲۹]. بنابراین، این بحث رابطه سنخ‌های آندروژنی با سازگاری معنوی را توجیه می‌کند. به نظر می‌رسد در جامعه امروزی ما، افراد تمایل به مذهب بیرونی دارند و همچنین معنویت را با مذهب یکی دانسته و اعتقاد دارند که مذهب آنها را محدود می‌کند و از آنجایی که افراد آندروژن مایلند از نقش‌های جنسیتی کلیشه‌ای فراتر بروند و خود را محدود به تفکر قالبی جامعه نکنند، می‌توان رابطه‌ی معکوس متغیرهای این فرضیه را تبیین کرد.

یافته‌ی بعدی نشان داد از بین شیوه‌های فرزند‌پروری و مؤلفه‌های آن، بین شیوه فرزند‌پروری وابستگی شدید با سازگاری معنوی رابطه وجود دارد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های King [۳۰]، Dixon و همکاران [۳۱]، همخوانی است. در تبیین این فرضیه‌ها می‌توان گفت طبق دیدگاه Pendleton و همکاران [۳۲]، مذهب می‌تواند به عنوان فرآیندی از دل‌بستگی در باورهای مذهبی مفهوم‌سازی گردد و رفتارها به صورت گسترشی از نظام دل‌بستگی در انسان‌ها به کنش می‌پردازند. نظام رفتاری زیستی رابطه بین فردی میان نوزاد و مراقبین را شکل می‌دهد. این نظام نوزاد را قادر می‌سازد که در حضور موضوع دل‌بستگی احساس امنیت کند و

[۲۶] که به بررسی رابطه بین شیوه‌های فرزند‌پروری و جنبه‌هایی از شخصیت و رفتار نوجوانان مثل عزت‌نفس، استقلال، رقابت، منبع کنترل، سبک‌های اسنادی، ادراک نگرش‌های والدین و احساس هویت پرداختند همخوانی دارد. بسیاری از پژوهش‌ها حاکی از جنبه‌های مثبت آندروژنی در مقایسه با افراد دارای سنخ‌های جنسیتی سنتی و نامتمایز هستند. برای مثال زنان و مردان آندروژن دوست‌داشتنی‌تر، سازگارتر از لحاظ بین فردی، خشنودتر و در ازدواج دارای رضایت زناشویی بیشتری هستند. آنها خشنودی شغلی بیشتر، طول عمر بیشتر و عزت‌نفس بالاتری دارند و در موقعیت‌های فشارزای زندگی از سبک‌های مقابله‌ای تفکر مثبت بیشتر استفاده می‌کنند [۳۵] از طرفی، والدین دموکراتیک، قاطع و اطمینان‌بخش به احتمال زیاد فرزندان دارای اعتماد به نفس زیاد و مستقل با احساس مسئولیت خواهند داشت. این گروه از نوجوانان احساس می‌کنند که مورد مهر و محبت والدین هستند. اولیاء آنها به اندازه کافی به آنان آزادی می‌دهند و معتقدند که والدین در بکار بستن قوانین یا اصول در مورد آنها مسئولانه و منصفانه عمل می‌کنند. فرزندان این دسته از والدین به دلیل برخورداری از عزت‌نفس بالا و احساس مسئولیت کافی و همچنین استقلال در زندگی، مشکلات سازشی کمتری با محیط خود دارند [۲۸]. از آنجا که هر یک از این متغیرها پیش‌بینی کننده سلامت روان و بهزیستی روان‌شناختی می‌باشند و رابطه معنی‌داری با سلامت روان دارند به نظر می‌رسد می‌تواند با یکدیگر نیز رابطه معنی‌داری داشته باشند. بنابراین تأیید این فرضیه قابل توجیه و پذیرش است و می‌توان به اهمیت هر کدام از این متغیرها در زندگی افراد و نقش مهمی که می‌توانند داشته باشند اشاره کرد ولی با این وجود برای موضع‌گیری مطمئن‌تر نیاز به انجام تحقیقات بیشتر، با متغیرهای دیگر و بر روی نمونه‌های متنوع‌تر می‌باشد. محدودیت مطالعه حاضر را می‌توان جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از پرسشنامه و به صورت خودگزارش‌دهی دانست که ممکن است برخی از پاسخ‌دهندگان به طور صادقانه پرسشنامه‌ها را تکمیل نکرده باشند.

نتیجه‌گیری: نتایج نشان داد احتمالاً گرایش‌های آندروژنی،

همچنین به اندازه کافی در امنیت باشد تا به کشف محیط پیرامون بپردازد. بر پایه تجارب، دلبستگی اولیه کودک روان‌بندهای هیجانی-شناختی را به روابط بین فردی نیز گسترش می‌دهد که این تحول بعداً می‌تواند با یک موضوع وابستگی فوق طبیعی همراه شود [۳۲]. طبق نتایج تحقیق Chalabianloo، عنوان شده که والدین مقتدر باعث تقویت عزت‌نفس و رشد هویت و همچنین استفاده از شیوه‌های مقابله فعال‌تر نوجوانان می‌شوند. فرزندان که درجه بالاتری از این ویژگی را داشته باشند سازگاری بهتری خواهند داشت و بهتر می‌توانند شرایط تنش‌زا را مهار کنند [۳۳]. همچنین نتایج پژوهش نشان داد بین سبک اسنادی منفی و سازگاری معنوی دانشجویان رابطه معنی‌داری وجود ندارد ولی بین سبک اسنادی مثبت و سازگاری معنوی دانشجویان رابطه معنی‌داری وجود داشت.

این نتایج با یافته‌های Reynolds و همکاران که نشان دادند بین سازگاری معنوی و سبک‌های اسنادی با سلامت روان شناختی زنان رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد همسو است. این تحقیق نشان داد زنانی که از لحاظ سازگاری معنوی در سطح بالاتری قرار دارند از سبک اسنادی درونی استفاده می‌کنند و همچنین این افراد از سلامت روانی بالاتری برخوردارند. زنانی که از سازگاری معنوی پایین‌تری برخوردارند، از سبک‌های اسنادی بیرونی و شکست استفاده می‌کنند و از سلامت روان‌شناختی پایین‌تری برخوردارند [۳۴]. سبک انسانی منفی منجر به درماندگی و افسردگی و همچنین کاهش انگیزه و تلاش در فرد می‌شود و برعکس، سبک اسنادی مثبت، به فرد امید و انگیزه بیشتر برای تلاش و موفقیت می‌دهد و همه این ویژگی‌ها با سازگاری معنوی و معنویت رابطه دارند یعنی هرچه سازگاری معنوی فرد بیشتر باشد، صبر، بردباری، امید و تلاش فرد نیز بیشتر خواهد شد. پس با توجه به آنچه گفته شد تأیید شدن این فرضیات قابل توجیه است. در نهایت نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد متغیرهای گرایش‌های آندروژنی، نگرش‌های فرزند‌پروری و نیز سبک‌های اسنادی مثبت و منفی می‌توانند به طور معنی‌داری سازگاری معنوی دانشجویان را پیش‌بینی نمایند.

این نتایج با یافته‌های Antill [۱۰]، Green و Kenrick

راهنمایی، نگارش روش پژوهش و یافته‌ها و ویرایش را بر عهده داشته‌اند.

نگرش‌های فرزند پروری والدین و سبک‌های اسنادی نقش بسیار مهمی در سازگاری معنوی دانشجویان دارند. بنابراین لازم است مسئولین در برنامه‌ریزی‌های خود به این عوامل توجه لازم را داشته باشند.

تشکر و قدردانی

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه خانم افسانه حسینی گراوندی دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز با شماره ۱۰۶۲۰۷۰۵۹۰۱۰۱۴ است، نویسندگان بر خود لازم می‌دانند از کلیه کسانی که در انجام این پژوهش آنها را یاری رسانده‌اند و همچنین از تمام شرکت‌کنندگان در پژوهش کمال تشکر را داشته باشند.

تعارض منافع

در این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منافی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

سهم نویسندگان

افسانه حسینی گراوندی اجرا و جمع‌آوری اطلاعات، زهرا حاجی صادقی نگارش مقاله و سعید یزدی راوندی کار

References

1. American Psychiatric Association. Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders. 4th ed. Washington DC: American Psychiatric Association; 2000: 943-8.
2. Catania G, Bagnasco A, Zanini M, Aleo G, Sasso L. Spiritual Assessment within Clinical Interventions Focused on Quality of Life Assessment in Palliative Care: A Secondary Analysis of a Systematic Review. Religions 2016;7(3):25.
3. Khazaei H, Rezaei M, Ghadami MR, Tahmasian M, Mobarra AG, Shiri E. Relationship between religious values and anxiety among Kermanshah University of Medical Sciences students. JKUMS 2010;14(1):66-72.[Persian]
4. Bastani F, Ghasemi E, Ramezanzadeh Tabriz E, Janani L, Rahmatnejad L. The Investigation of Perceived Stress and Religious Coping among Female Caregivers of the Elderly with Dementia. JRUMS 2015;13(10):925-36. [Persian]
5. Nooney JG. Religion, stress, and mental health in adolescence: Findings from add health. Review of Religious Research 2005:341-54.
6. Bloss J. The Wiley Blackwell Encyclopedia of Gender and Sexuality Studies. Reference Reviews 2017;31(3):13-4.
7. Habibi H, Fatemi M. Study of the relationship between sex and gender role with the level of resiliency. Psychstudies 2015;11(2):115-34. [Persian]
8. Bem SL. On the utility of alternative procedures for assessing psychological androgyny. JCCP 1977;45(2):196-205.
9. Lefkowitz ES, Zeldow PB. Masculinity and femininity predict optimal mental health: A belated test of the androgyny hypothesis. JPA 2006;87(1):95-101.
10. Antill JK. Sex role complementarity versus similarity in married couples. JPSP 1983;45(1):145-55.
11. Woodhill BM, Samuels CA. Positive and negative androgyny and their relationship with psychological health and well-being. Sex Roles 2003;48(11):555-65.
12. Ashkani F, Heydari H. Effects of emotional adjustment on psychological welfare and attributional styles of students with learning disabilities in primary school. JLD 2014;4(1):6-22. [Persian]
13. Rodriguez-JenKins J, Marcenko MO. Parenting stress among child welfare involved families: Differences by child placement. CYSR 2014;46:19-27.
14. Lisa C, Green BS. The long- term effects of parenting styles on children: a review of the research an annotated bibliography. [Cited 2012 Jun 20]. Available from: <http://www.parenting science.com>
15. Mahdizadeh Z, Abolghasemi A & Narimani M. The role of cognitive process and attribution styles in predict of quality of life in the students with body dysmorphic. Journal of School Psychology. 2014;3(4):111-127. [Persian]
16. Rinaldi CM, Howe N. Mothers' and fathers' parenting styles and associations with toddlers' externalizing, internalizing, and adaptive behaviors. ECRQ 2012;27(2):266-73.

17. Kefayat M. Relationship between parenting modes and attitudes, creativity, educational progress, and progressive behavior's among first grade high school students at Ahwaz city. A research report, research council of Khuzestan ministry of education;2001. [Persian]
18. Diaz Y. (dissertation). Association between parenting and child behavior problems among Latino mothers and children. Maryland: University of Maryland; 2005: 10-12.
19. Millings A, Walsh J, Hepper E, O'Brien M. Good partner, good parent: Responsiveness mediates the link between romantic attachment and parenting style. PSPB 2013;39(2):170-80.
20. Varnasery P. (dissertation) Relationship between expectations and androgenic outcomes among second grade high school students. Ahvza: Shahid Chamran University of Ahvaz; 2003: 49-52.
21. Asgari P, Ehteshamzadeh P, Pirzaman S. Relationship between spiritual coping and androgyny with psychological well-being among students of Islamic Azad University, Andimeshk branch. JSP 2009; 3(11):22-33. [Persian]
22. Peterson C, Seligman ME. Causal explanations as a risk factor for depression: Theory and evidence. Psychological review 1984;91(3):347-74.
23. Taghipour A. Effects of attributive re-learning on attributive self-esteem, functionality, and preservice after failure in a football related skill test. A Master's Thesis, Ferdowsi University, Education and Psychology Department. 2000. [Persian]
24. Rassouli M, Yaghmaie F, Alavi Majd H, Saeedolzakerin M. Development and Psychometrics of "Institutionalized Adolescents Spiritual Coping Scale". IJPCP 2009;15(1):25-32.[Persian]
25. Randles J. Parenting, Family Policy, and Children's Well-Being in an Unequal Society: A New Culture War for Parents. Contemporary Sociology: A Journal of Reviews 2015;44(6):807-8.
26. Markstrom-Adams C. Androgyny and its relation to adolescent psychosocial well-being: A review of the literature. Sex Roles 1989;21(5):325-40.
27. Green BL, Kenrick DT. The attractiveness of gender-typed traits at different relationship levels: Androgynous characteristics may be desirable after all. PSPB 1994;20(3):244-53.
28. McCall ME, Struthers NJ. Sex, sex-role orientation and self-esteem as predictors of coping style. Journal of Social Behavior and Personality 1994;9(4):801-10.
29. Hackney CH, Sanders GS. Religiosity and mental health: A meta-analysis of recent studies. JSSR 2003;42(1):43-55.
30. King DB. (dissertation) Rethinking claims of spiritual intelligence: A definition, model, and measure. Ontario: Trent University; 2008: 30-1.
31. Dixon SV, Graber JA, Brooks-Gunn J. The roles of respect for parental authority and parenting practices in parent-child conflict among African American, Latino, and European American families. JFP 2008;22(1):1-10.
32. Pendleton SM, Cavalli KS, Pargament KI, Nasr SZ. Religious/spiritual coping in childhood cystic fibrosis: A qualitative study. Pediatrics 2002;109(1):1-7.
33. Chalabianloo GH. Association between parenting modes and stress coping strategies among run-away girls. 1nd ed. Tehran :conference on delinquency prevention; 2002: 98-9.
34. Reynolds N, Mrug S, Guion K. Spiritual coping and psychosocial adjustment of adolescents with chronic illness: The role of cognitive attributions, age, and disease group. Journal of Adolescent Health. 2013;52(5):559-65.
35. Yazdi-Ravandi S, Taslimi Z, Ahmadpanah M, Ghaleiha A. Adjustment to diabetes among diabetic patients: the roles of social support and self-efficacy. Avicenna Journal of Neuro Psych Physiology. 2016;3(1):1-7.

Role of Androgenic Trends, Parenting Practices, and Negative Attributional Style on Spiritual Coping among Students of Islamic Azad University of Ahvaz, Iran, 2016

Hossieni Garavandi A¹, Yazdi-Ravandi S², Haj Sadeghi Z^{3*}

1- MSc, Dept of Psychology, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.

2- PhD Student of Behavioral Sciences, Behavioral Disorders and Substance Abuse Research Center, Hamadan University of Medical Sciences, Hamadan, Iran.

3- MSc, Dept of Clinical Psychology, College of Science and Research of Khuzestan, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran. Clinical Psychology, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran. (Corresponding Author)

Email: Zahra.hajsadeghi@yahoo.com, Tel: 09304304415

Received: 11 June 2017

Accepted: 6 January 2018

Introduction: Spirituality has been introduced as the fourth dimension of health by World Health Organization. The present research aimed to investigate the relationship between androgenic trends, parenting practices, and negative attributional style and spiritual coping among students of Islamic Azad University of Ahvaz, Iran.

Materials and Methods: The study was a cross-sectional study. The statistical population consisted of all the students of Islamic Azad University of Ahvaz who were studying in 2016. Out of these students, 250 individuals were included into the study using convenience random sampling. The tools used in the study included the Androgenic Disposition Inventory (the Bem Sex-Role Inventory (BSRI)), parental attitude questionnaire, Peterson and Seligman attribution style questionnaire, and spiritual/religious coping scale (SRCOPE Scale). The data were analyzed using the Pearson correlation coefficient, multiple regression, and SPSS software version 16.

Results: Findings showed that there was a significant correlation between androgenic trends, high parent dependency parenting attitude, positive attributional style and spiritual coping among the students ($p < 0.05$). There was no significant relationship between parent domination parenting attitude, dismissive parenting attitude, negative attributional style and spiritual coping ($p > 0.05$). Regression analysis showed that it is possible to significantly predict spiritual coping in the students using androgenic trends, parent domination parenting attitude, high parent dependency parenting attitude, and dismissive parenting attitude, and positive and negative attributional styles ($p < 0.002$).

Conclusion: The findings showed that androgenic trends, parenting attitudes of parents, and attributional styles play very important roles in spiritual coping of students. Therefore, it is necessary for authorities to pay sufficient attention to this matter in future planning.

Keywords: Androgenic trends, Attributional styles, Parenting practices, Spiritual coping

Please cite this article as follows:

Hossieni Garavandi A, Yazdi-Ravandi S, Haj Sadeghi Z. Role of Androgenic Trends, Parenting Practices, and Negative Attributional Style on Spiritual Coping among Students of Islamic Azad University of Ahvaz, Iran, 2016. *Community Health journal* 2017; 11(1): 30-39.

Funding: This article is part of MSc thesis supported by Islamic Azad University, Ahvaz Branch.

Conflict of interest: The authors declared no conflicts of interest.

Ethical approval: The research was approved in Islamic Azad University, Ahvaz Branch Local Ethical Committee (Num: 10620705901014).